

بسمه تعالی

دروس معارف دانشگاه تنها سنگر مواجهه ی مستقیم و فراگیر دانشجویان با مبانی دینی و اسلامی است، و عدم التفات دقیق به این دروس، علاوه بر ناقص ماندن پازل فرهنگی دانشگاه، موجبات دین گریزی و حتی دین ستیزی دانشجویان را فراهم می نماید، لذا لازم دانستیم نکاتی را در زمینه ی آسیب شناسی این دروس به سمع و نظر مسئولین مرتبط با این امر خطیر برسانیم. لازم به ذکر است این آسیب شناسی سعی نموده است به مواردی که خود دست اندرکاران، به آن ها توجه داشته و سالیانی به دنبال اصلاح آن ها هستند، مثل تغییر کتب درسی، پردازد.

آسیب شناسی:

۱. عدم وجود شرایط علمی کافی اساتید جهت تدریس دروس و پاسخگویی کامل و همه جانبه به سؤالات دانشجویان، تا جایی که برخی از اساتید اجازه طرح سؤال به دانشجویان را نمی دهند:
 - الف. برخی از اساتید بدون داشتن جواز، تدریس می نمایند.
 - ب. جواز برخی از اساتید در گذشته و با دانش قبلی و ناکافی نسبت به حال حاضر صادر گردیده است.
 - ج. ظاهراً در صدور جواز تدریس برخی از اساتید قصور یا تقصیر صورت پذیرفته است.
 - د. برخی از اساتید تدریس درس غیر مرتبط با عنوان مجوز را به عهده می گیرند.
 - ه. برخی از اساتید در زمینه ی تطبیق کلیات مباحث و مبانی با مصادیق و مسائل جاری از شناخت و مهارت کافی برخوردار نیستند.
 - و. عدم آشنایی برخی اساتید با رشته ی تحصیلی دانشجویان و شبهات و مسائل پیرامونی آن، دروس معارف را بی فایده ظاهر ساخته است.
 - ز. عدم آشنایی برخی اساتید با جریان شناسی فرهنگ ها و ضد فرهنگ ها و مبانی انقلاب اسلامی و مواجهه ی نادرست با این سنخ مباحث در حیطه ی درس.

۲. عدم وجود انگیزه و شرایط روحی و روانی کافی اساتید جهت تدریس دروس، تا جایی که از حضور در کلاس های معارف اظهار ناخرسندی و عدم تمایل می نمایند:

الف. برخی از اساتید اساساً با فضای دانشگاه و دانشجویان آشنایی ندارند و این به جهت آن است که یا مستقیماً از فضای حوزه، و یا از محیط دانشکده های معارف با فضایی متفاوت از سایر دانشکده ها، اشتغال به تدریس یافته اند.

ب. برخی از اساتید بدون علاقه و در برخی موارد بدون اعتقاد به محتوای درس، تدریس می نمایند، که این مسأله در پاسخ به سوالات و دفاع از محتوای دروس خود را نشان می دهد.

ج. حضور استاد در دروس متراکم، پشت سر هم، با تعداد جمعیت بالا و امکان به نزاع کشیده شدن مباحث، قدرت مانور و جوش و خروش را از اساتید سلب می نماید و مانع از پرداختن استاد به موضوعات چالشی می گردد.

د. کاستی در پرداختن اساتید حق التدریس، علی رغم صرف انرژی و توان بسیار در کلاس های دروس معارف، انگیزه ی مادی را از اساتید سلب می نماید.

ه. تشکیل کلاسهای دروس معارف به صورت مختلط، مانع از ارتباط صمیمی استاد با جنس مخالف و مشارکت همگانی در کلاس می گردد و حتی موجبات برهم خوردن کلاس و در برخی موارد هنجارشکنی عمدی می گردد و به طور مستقیم بر کیفیت و انگیزه تدریس مؤثر است.

و. بالا بودن سن اساتید، به ویژه اساتید هیئت علمی، زمینه ی بی انگیزگی اساتید و عدم درک متقابل استاد و دانشجو را فراهم می آورد.

ز. کشانده شدن مباحث به مسائل و مصادیق سیاسی جاری و مشکلات جامعه در تمامی دروس معارف حتی دروس غیر از انقلاب اسلامی، موجبات انفعال اساتید و یا برهم خوردن نظم و فضای کلاس و طبیعتاً خستگی مضاعف اساتید و تضعیف روحیه ی آن ها می گردد.

ح. در برخی موارد به تیپ شخصیتی اساتید در ایجاد ارتباط مؤثر با دانشجویان، کنترل هیجانات و عدم سازگاری با تدریس دروس معارف توجه نشده است.

راهکارها:

۱. تفکیک مجوزها حداقل نسبت به گروه های آموزشی "فنی-مهندسی، پزشکی، علوم انسانی، هنر" و آموزشهای لازم به اساتید، متناسب با این تفکیک، تدوین و تغییر کتب درسی معارف متناسب با این تفکیک و همچنین آشنا نمودن اساتید با رشته ها، گرایش ها، محیط آموزشی، آینده ی شغلی و دیگران موارد لازم، جهت فراهم نمودن زمینه ی برقراری ارتباط مؤثر استاد با دانشجویان و تقریر درس در همین راستا.

۲. از آن جایی که عمدتاً طلاب علوم دینی، زمینه ی تبلیغی و دغدغه ی بیشتری نسبت به فارغ التحصیلان دانشکده های معارف دارند (گرچه بسیاری از همین فارغ التحصیلان، خود از طلاب علوم دینی بوده اند)، پیشنهاد می شود مراکز تخصصی سطح سه و چهار، برای آموزش طلاب جهت تدریس دروس معارف دانشگاه با حفظ هویت تبلیغی ایجاد شود.

۳. تلاش در جذب اساتید هیئت علمی جوان و به کار گیری اساتید حق التدریس با محدودیت سنی نسبت به افراد دارای سنین بالا.

۴. تفکیک جنسیتی و اولویت به کارگیری اساتید هم جنس در کلاس های دروس معارف.

۵. استفاده از اساتید دروس تخصصی رشته های دانشجویان که دارای شرایط علمی و روحی لازم جهت تدریس دروس معارف هستند با توجه به پیشینه ی علمی و برگزاری کارگاه های دانش افزایی، جهت هم افزایی و افزایش ارتباط استاد و دانشجویان.

۶. تعیین پرداختی اساتید حق التدریس دروس معارف با توجه به فاصله ی دانشگاه از مرکز شهر، تعداد دانشجویان کلاس، رتبه ی علمی دانشگاه، درس و ارزشیابی اساتید. برای مثال تدریس درس اندیشه اسلامی نسبت به تدریس درس تفسیر موضوعی قرآن، چالش برانگیز تر است و تدریس برای دانشجویان دانشگاه های مطرح و دانشجویان رتبه های برتر مشکل تر خواهد بود.

۷. رصد میدانی و نامحسوس اساتید معارف، و تشویق اساتید معارف برتر دانشگاه.

۸. دانش افزایی کلیه ی اساتید در موضوعات جریان شناسی و مبانی انقلاب اسلامی.

۹. شرط مواردی حضور در کلاس درس معارف اساتید با سابقه، به عنوان طرح و کارگاه عملی، برای افراد داوطلب تدریس و صدور مجوز تدریس.

۱۰. الزام ، یا تشویق اساتید به امر پژوهش و به کارگیری ابزارهای جدید و کارآمد جهت تدریس دروس معارف.

جواد قدیری حاجی آبادی

۱۳۹۸/۳/۸